

نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی

مطالعه

ابوالفضل عربشاهی



انتشارات آرون

سرشناسه	: عربشاهی، ابوالفضل، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	: نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی / مولف: ابوالفضل عربشاهی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص. مصور، جدول، نمودار
شابک	: ۲ - ۴۱۰ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: نشانه‌شناسی - علایم و نمادها - Semiotics - Signs and symbols
موضوع	: فرهنگ - الگوهای نشانه‌شناسی - Culture - Semiotic models
سازمان سروده	: ابراهیمی جعفری، پیروز، ۱۳۵۹، ویراستار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ن ۸ ع ۴ / ۲۹۹
رده‌بندی دب	: ۳۰۲/۲
شماره کتابخانه ملی	: ۴۴۲۷۸۰۰



نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی

مؤلف: ابوالفضل عربشاهی

مقدمه: محمدحسین بهّاج

ویراستار: پیروز ابراهیمی جعفری

ناشر: انتشارات آرون

چاپ دوم: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

۲۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه‌ای به جای نویسنده
۱۷	پیشگفتار
۱۹	بخش اول: نشانه‌شناسی
۱۹	نشانه‌شناسی
۲۰	نشانی
۲۰	فرایند نشانی/نشانه‌ای
۲۱	نشانه
۲۲	انواع نشانه‌ها
۲۲	دردنما
۲۲	علامت
۲۴	شمایل
۲۵	نمایه
۲۶	نماد
۲۸	نام
۲۹	اجزای نشانه

نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی

۳۱	تاریخچه مطالعات نشانه‌شناسی
۵۴	نظام‌های نشانی/نشانه‌ای
۵۵	سپهر نشانه‌ای/نشانی
۵۶	فضاهای نشانه‌ای
۵۷	مفهوم متن در نشانه‌شناسی
۷۰	رابط
۷۲	صورت‌گرایی
۷۶	ساختارگرایی
۸۱	پساساختارگرایی و اختارشنکی
۸۶	تمثیل
۸۹	بخش دوم: نشانه‌شناسی فرهنگی
۸۹	نشانه‌شناسی فرهنگی
۹۱	اهداف نشانه‌شناسی فرهنگی
۹۱	نشانه‌شناسی و فرهنگ
۹۳	ویژگی‌های نشانه‌شناسی فرهنگی
۹۵	درک تفاوت‌های فرهنگی
۹۶	نشانه‌شناسی زبان بدن
۹۷	مطالعات زبان بدن
۱۰۱	الگوهای کلیدی اشاره‌ها در زبان بدن
۱۰۱	اشاره‌های ناخواسته
۱۰۱	اشاره‌های شخصیتی
۱۰۲	اشاره‌های جعلی
۱۰۳	اشاره‌های کوچک
۱۰۳	نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی

فهرست مطالب

۱۰۴	 نشانه‌های هویت
۱۰۷	 نشانه‌های آداب معاشرت
۱۰۹	 سرشت نشانه‌های اجتماعی
۱۱۰	 رمزگان
۱۱۰	 رمزگان اجتماعی
۱۱۲	 رمزگان متنی
۱۱۳	 رمزگان تفهیری
۱۱۳	 رمزگان دیستال و آنالوگ
۱۱۵	 بخش سوم: نمادها
۱۱۹	 نمادهای اسلام
۱۲۰	 ارکان کعبه
۱۲۶	 انجمن‌های راز آلود
۱۲۶	 میتراپیسم
۱۲۷	 مراتب و نمادهای میتراپیسم
۱۲۹	 فراماسونری
۱۳۴	 نمادهای فراماسون‌ها
۱۳۷	 شیطان پرستی
۱۳۸	 فرزندان شیطان
۱۳۸	 نشانه‌شناسی شیطان در منابع اسلامی
۱۳۹	 برخی نمادهای کلیسای شیطان
۱۴۰	 انجیل شیطان پرستی
۱۴۲	 منطق‌البروج
۱۴۴	 صور دوازده‌گانه‌ی فلکی
۱۴۵	 اختران و اباختران

نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی

۱۴۸	 نصف‌النهار
۱۵۰	 عناصر و طبایع چهارگانه
۱۵۱	 عالم کبیر و عالم صغیر
۱۵۲	 نشانه‌شناسی حروف، اعداد و اشکال
۱۵۵	 نمادشناسی اعداد
۱۶۰	 رنگ‌ها و عددشناسی
۱۶۰	 تجزیه
۱۶۰	 اجماع
۱۶۱	 اعداد و غیرتألیف
۱۹۱	 فهرست منابع

مقدمه‌ای به جای تقریظ

به نام نقش بند هستی

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

شوکت و منزلت کار پرزحمت و چندین ساله‌ی آقای ابوالفضل عربشاهی زمانی معنی می‌یابد که نگاهی هر چند کوتاه^۱ به دنیای کهکشانی و هزار لای «نمادها» داشته باشیم. نمادشناس مشهور، البر ماری اشمیت^۲ در توصیف نمادها، آنها را «هزار چیز مبهم که پیوسته از غمزه انتقادی گریزانند و ماهرانه خود را از تشریح و توصیف نجات می‌دهند» خوانده است. این دستگاه پر از استعاره‌های پیاپی را آندره لالاند^۳ «عالمی محسوس اما غایب و غیر قابل مشاهده» دانسته است. نماد بنا به طبیعتش اساساً مبهم و چند پهلوی است. در میان همه‌ی معانی مختلفی که می‌تواند داشته باشد، نامشخص است. بنابراین اغلب، رابطه‌ی بین نشانه و مدلول، ممکن است بسیار دور

^۱ A. M. Schmidt

^۲ A. Lalande

باشد. رمزگشایی نمادها بسیار مشکل است زیرا نماد بر خلاف «استعاره» انسان را به شناسایی یک معنی مخفی دعوت می‌کند و آن مخفی، می‌تواند یک چیز از دست رفته و یا ممنوعه باشد.

سر من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
میرم در طول قرون نمادهای خود را تحلیل کرده‌اند و بر پایه‌ی ایده و ذهنیت خود، آنها را به ظهور رسانده و محسوس کرده‌اند. «نمادها» ثابت نیستند، آنها مایه واسطه‌ی حواسمان آنها را درک می‌کنیم. آنها درون ما هستند و به زعمی باید گفت خود ما هستند که در بیرون از ما و در اشیاء منعکس می‌گردند. شاعران کسانی بوده و هستند که با تفکرات نمادین و سمبولیک خود، سیای تازه‌ای را در ادبیات، فراروی انسان‌ها گشوده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت نمادها را نه عقل و منطق، بلکه احساسات پذیرفته و پرورانده‌اند، در ساخت نماد باید از واقعیت‌های عینی^۳ دور و به واقعیت‌های ذهنی^۴ نزدیک شد. البته ممکن است نمادها و نشانه‌ها در طول زمان و با به هم پیوستن قراردادهای اجتماعی، معنی و مفهوم قبلی خود را از دست بدهند و معنی و مفهوم جدیدی پیدا کنند. چنانچه فردینان دو سوسور^۵ مطالعه‌ی نشانه‌ها در دو شاخه‌ی «همزمانی»^۶ و «درزمانی»^۷ مورد مطالعه قرار داده است. او در مطالعه‌ی «همزمانی» اشیاء و مطالعه‌ی نشانه‌ها در دوره‌های زمانی معین دارد و بر پایه‌ی مطالعه‌ی «درزمانی» چگونگی

۳. Objective

۴. Subjective

۵. F. M. Saussure

۶. Synchronic

۷. Diachronic

مقدمه‌ای به جای تقریظ

تغییر صورت و معنای نشانه‌ها را در طول زمان، مورد بررسی قرار می‌دهد.^۸ رولان بارت^۹ نیز معتقد است که با تغییر معنای نشانه‌ها و الگوی فرهنگی هر دوره، اساطیر نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرند.^{۱۰}

کار مولف این کتاب را زمانی می‌توان سترگ و قابل توجه دانست که متوجه شویم که مطالعه‌ی رابطه‌ی کارکردی بین نظام‌های نشانه‌ای درگیر فرهنگ، کاری بسیار ظریف و پیچیده است. به این دلیل که فرهنگ در ذات خود متوجه است و تاثیر فضای رسانه‌ای بر فرهنگ، روز به روز عمیق‌تر می‌شود و امکان قرار گرفتن در کنار یکدیگر، بیشتر می‌شود و تشخیص عناصر آنها با نشانه‌ها از طریق یک نظام، بسیار دشوار می‌گردد. مطالعات فرهنگی اساساً حوزه‌ای نامتناهی است و مجموعه‌ای از حوزه‌ها و روش‌های مختلف، از جمله جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی و غیره را در بر می‌گیرد. با وجود این ناهمگنی، تحقیقات حوزه‌ی مطالعات فرهنگی، در یک موضوع اشتراک دارند و آن، بررسی‌های ابعاد مختلف پدیده‌ای است به نام فرهنگ.^{۱۱}

کتاب حاضر اثر جامعی است از عینیت‌های متعدد و متکثری از ذهنیت‌های بشر در طول زندگانی فردی یا اجتماعی او، در طی قرون و اعصار؛ این ذهنیت‌ها گاه منطقی بوده است و گاه موهوم و سرخوش و پیکریندار. آنچه را که بشر از رمز اعداد، چرخش ستارگان و دیگر اسرار طبیعت تصور کرده است و سرانجام برای خود «عالمی صغیر» در درون «عالم

^۸ ر. ک. همین کتاب ص. ۳۷

^۹ R. G. Barthes

^{۱۰} ر. ک. همان ص. ۳۹

^{۱۱} ر. ک. همین کتاب ص. ۹۴

کبیر^{۱۲}» متصور شده است؛ با قلم هنرمندانه و موشکافانه‌ی آقای عرشاهی، در این کتاب گرد آمده و تجسم شده است. این ذهنیت‌ها در مرام‌هایی مانند فراماسونی، شیطان پرستی و... متجلی شده است و از قلم نازک بین نویسندگان پنهان نمانده است.

این راه را نهایت، صورت کجا توان بست
کش صد هزار منزل، بیش است در بدایت
هر چند «این ره دراز است» یقین دارم جناب عرشاهی، قلندر صفت
پیدا، است و این راه را طی خواهد کرد و پژوهندگان پیرامونش، از این راه
ترش‌ها برخیزند چید. این چنین بادا.

محمد حسین بهاج

مهرماه ۹۵